

سبک تربیت



آیا تماشای تلویزیون بر رشد کلامی کودکان تأثیر دارد؟

گفت‌وگوی کودک باقاب جادویی

■ محمدرضا سهیلی‌فر

کودک نوبایی را تصور کنید که چشم به تلویزیون دوخته است و سعی کارشناسان بود که تلویزیون می‌تواند در نقش اِِبزاری آموزشی در چنین وضعیتی در حال یادگیری زبان است و حتی با تلویزیون گفت‌وگو می‌کند.

ظهور برنامه‌های کودک محور در تلویزیون ناشی از این باور کارشناسان بود که تلویزیون می‌تواند در نقش اِِبزاری آموزشی و بسیار مؤثر برای انتقال اطلاعات و دانش به ذهن کودکان ایفای نقش کند و به تبع آن رشد و توسعه دایره لغات نیز اتفاق بیفتند. برنامه‌های بسیاری ساخته شدند و به آموزش مستقیم کودکان پرداختند و سعی کردند با آنان کانال ارتباطی برقرار کنند. این مقاله

فراگیری زبان در دوسوی تلویزیون و اطرافیان

کودکان خودبه‌خود و به تدریج توانایی استفاده از زبان را در محیط طبیعی و در تعامل با دیگران پیدا می‌کنند. علاوه بر اعضای خانواده، کودک همچنین با استفاده از رسانه‌های تصویری در معرض یادگیری زبان قرار می‌گیرد. یادگیری زودهنگام زبان از هر دو جنبه مهارت زبانی شنیداری و گفتاری برای کودکان بسیار مهم است. فراگیری زبان در معرض عوامل محیطی فرایندی است که در این مرحله از زندگی انسان اتفاق می‌افتد؛ به عبارت دیگر زمانی است که مهارت تکلم به صورت ناخودآگاه به ذهن کودک وارد می‌شود، تعامل با سایر افراد نیز در تجارب روزانه کودک یک عامل اساسی جهت تحقق فراگیری زبان است. کودکان تا حد زیادی از عوامل حاضر در محیط پیرامونشان اثر می‌پذیرند؛ عواملی مانند والدین، خواهر، برادر و همسالان خود. با این حال رسانه‌ها نیز به بخشی از محیط پیرامون کودک تبدیل شده‌اند و تأثیر آنها انکارناپذیر است. در سال ۲۰۰۹ چند پژوهشگر مشاهده کردند زمانی کودکان می‌توانند واژگان را از مشاهده رسانه‌های تصویری به‌صورت مؤثر بیاموزند که همراه با تعامل اجتماعی زنده از سوی اطرافیان‌شان هم باشند. همچنین نتیجه گرفتند کودکان نوپا می‌توانند واژگان جدید را به تنهایی از طریق رسانه تصویری یاد بگیرند؛ البته کودکانی که یز بودند که هم به بز خواهر، برادر تلویزیون و هم در محیط پیرامونشان پاسخ و توجه بهتری نشان می‌دادند. دانشمندان در سال ۲۰۰۷ نظریه دادند که کودکان می‌توانند واژگان جدید را از طریق برخی برنامه‌های تعاملی کودک که از تلویزیون بیاموزند. از این رو، تعامل رسانه با کودک و تعامل اطرافیان با کودک نقش مهمی در فراگیری زبان دارد. زبان کاملاً یک پدیده اجتماعی است. کودک می‌تواند با استفاده از رسانه‌های تصویری در معرض آموزش زبان قرار بگیرد، اما بدون تعامل و بدون استفاده از زبان در زندگی روزمره خود برای بیان منظور هایش نمی‌تواند مهارت زبانی را فرا بگیرد.

کودک و یادگیری زبان اجتماع

کودکان می‌توانند زبان را از طریق تعامل اجتماعی بیاموزند مثلاً می‌فهمند منظور از «می‌توانی در را بر اِیم باز کنی؟» نوعی درخواست کمک است، نه پرسیدن در مورد توانایی‌های ما برای باز کردن در (!) به گفته محققان رفتارشناسی، زبان یک رفتار کلامی است. رفتارشناسان رویکرد تجربی بچه‌ها را دنبال کردند و تصور می‌کنند ذهن مانند یک تخته سنگ تو خالی است که برداشت‌های ما از دنیای بیرون آن را پر می‌کند، بنابراین هر فرد متناسب با محیط خود شکل می‌گیرد. «وام چامسکی» زبان‌شناس معروف معتقد بود فرهنگ انسانی با مختصات جغرافیایی یا محیطی تعیین می‌شود و رشد زبان چیزی نیست جز تقلید کودک از محیطش. البته غییر از تأثیر محیطی، عامل مؤثر دیگری نیز در فراگیری زبان کودک تشخیص داده شد. در واقع هر ارگان زبانی در مغز وجود دارد که رشد می‌کند و به بلوغ می‌رسد و سپس در حدود ۱۲ سالگی شروع به پژمرده شدن و از بین رفتن می‌کند. از این رو اِین دوره در آموختن زبان بسیار حیاتی است است. مهم‌تر از همه، سال‌های ابتدایی زندگی انسان برای رسیدن به سطحی از پیشرفت در توانایی زبانی اهمیت ویژه‌ای دارد و از این رو، این دوره یادگیری اولیه در فرایند کسب مهارت‌های زبانی نقش اساسی دارد.

نتایج پژوهش‌هایی از تأثیر تلویزیون بر کودکان

قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها برای کودک به منزله ابزاری است تا دانش زبان‌شناسی وارد ذهنش شود و تا حدی به رشد زبان او کمک کند. محققان سه پژوهش انجام دادند تا تأثیر رسانه تصویری بر رشد زبان کودکان را بررسی کنند. کودکانی که تحت این آزمایش قرار گرفتند ۳۰ تا ۴۲ ماهه بودند. ابتدا این فرضیه که آیا کودکان واژگان را توأمًا از رسانه‌های تصویری و تعاملات اجتماعی یاد می‌گیرند، مورد آزمایش قرار گرفت. در تحقیق بعدی بررسی شد آیا کودکان می‌توانند واژگان را به تنهایی از رسانه‌های تصویری مانند تلویزیون یاد بگیرند و در آخر هم آیا تعامل اجتماعی کودک با یک فرد به‌صورت زنده و همان فرد در تلویزیون قدرت تأثیر یکسانی بر کودک دارد یا خیر؟ محققان از این آزمایش نتیجه گرفتند کودکان بزرگ‌تر می‌توانند واژگان را صرفًا از تلویزیون یاد بگیرند، در حالی که کودکان کوچک‌تر می‌توانستند واژگان را تنها در صورت دریافت پشتیبانی از طریق تعامل اجتماعی با افراد حاضر در محیط پیرامون یاد بگیرند. دیدن و شنیدن تکلم زبان در تلویزیون می‌تواند به افزایش واژگان غیرفعال یا خشن در ذهن کودک منجر شود لیکن تعامل با محیط می‌تواند این واژگان را در ذهن او فعال و قابل استفاده کند.

گروه دیگری از محققان در سال ۲۰۰۷ بر خصوص اثرگذاری رسانه‌ها بر رشد زبان کودکان کار کردند. این بار بچه‌ها از بین کودکان هشت تا ۱۴ماهه انتخاب شدند. محققان دریافتند در صورت استفاده روزانه یک ساعت از برنامه‌های آموزشی به کودکان، تعداد واژگان آموخته شده چندان قابل توجه نخواهد بود. دو محقق دیگر در آزمایش خود به این نتیجه رسیدند که برخی برنامه‌های آموزشی ویژه کودکان تأثیر مثبتی بر زایندهی زبان کودک داشتند، در حالی که برخی برنامه‌ها تأثیر کمتری در آموختن کلمات به کودکان داشتند. یادگیری زبان در سنین پایین، بیشتر به تأثیر محتوای تعاملات اجتماعی و بعد از آن به ادراک و واکنش به محتوای ارائه شده در رسانه تصویری مانند تلویزیون بستگی دارد. از آن زمان کودک توان اجتماعی خود را برای تفسیر و درک محتوای مشاهده شده در تلویزیون نشان می‌دهد. به همین شیوه، پژوهشگران دیگری نیز



زبان یک پدیده اجتماعی است و به طور طبیعی در موقعیت‌های ارتباط اجتماعی از آن استفاده می‌شود. از این رو، تعامل والدین با برنامه یک رسانه تصویری در فرایند یادگیری جدید کودک بسیار مهم است تا مهارت‌های تازه کسب شده زبانی را از حالت غیرفعال در ذهن خود به حالت فعال و عملی تبدیل کند

که رسانه ابزاری برای انتقال پیام به تعداد زیادی مخاطب است برای والدین بسیار مهم است، فرد باید به آن نگاه جدی داشته باشد و لازم است والدین هنگامی که نوبت به انتخاب محتوای نمایش‌ها و تعیین محدودیت زمانی برای تماشای تلویزیون می‌رسد، گزینشی عمل کنند. بدیهی است تلویزیون و سایر رسانه‌های تصویری به یک واقعیت زندگی امروزی تبدیل شده‌اند، لذا استفاده از آنها به عنوان زبان ارتباطی و کمک آموزشی برای کودکان زیر نظر والدین کاملاً معقول و منطقی خواهد بود. حضور مستقیم والدین هنگام تماشای این برنامه‌ها همراه با فرزندانشان ضرورت دارد. زیرا میزان یادگیری زبان از برنامه‌های تلویزیونی کودک محور را در کودکان افزایش می‌دهد.

که رسانه ابزاری برای انتقال پیام به تعداد زیادی مخاطب است برای والدین بسیار مهم است، فرد باید به آن نگاه جدی داشته باشد و لازم است والدین هنگامی که نوبت به انتخاب محتوای نمایش‌ها و تعیین محدودیت زمانی برای تماشای تلویزیون می‌رسد، گزینشی عمل کنند. بدیهی است تلویزیون و سایر رسانه‌های تصویری به یک واقعیت زندگی امروزی تبدیل شده‌اند، لذا استفاده از آنها به عنوان زبان ارتباطی و کمک آموزشی برای کودکان زیر نظر والدین کاملاً معقول و منطقی خواهد بود. حضور مستقیم والدین هنگام تماشای این برنامه‌ها همراه با فرزندانشان ضرورت دارد. زیرا میزان یادگیری زبان از برنامه‌های تلویزیونی کودک محور را در کودکان افزایش می‌دهد.

تعامل با کودکان برای تأثیر بهتر تلویزیون بر مهارت‌های زبانی

این باور که گوش دادن به یک زبان منجر به توانایی زایش شفاهی زبان (قدرت حرف زدن) می‌شود، یک اصل ناخوشه یا به عبارتی عقیده‌ای متداول است. اما در همه موارد کاملاً صدق نمی‌کند. گوش دادن فقط می‌تواند حجم لغات غیرفعال را در ذهن گسترش دهد؛ کلمات فهمیده می‌شوند ولی برای استفاده عملی در گفتار آماده نیستند. اینچنانقش تعامل هودیا می‌شود. تعامل با دیگران وسیله‌ای برای فعال کردن این واژگان منغل در ذهن خواهد بود. خروجی چندین پژوهش بر اهمیت تعامل با محتوای برنامه‌های تلویزیونی کودک به عنوان روشی برای توسعه مهارت‌ها و «توانش زبان‌شناسی» صحه گذشته است. بر این اساس، بخش دیگری از پژوهشگران معتقدند به‌غم ادعای تهیه‌کنندگان برنامه‌های آموزشی کودک بابت سهم قابل توجه آنها در توسعه زبان کودکان، اما صرف قرار گرفتن در معرض این رسانه‌ها منجر به رشد زبانی و فراگیری واژگان نمی‌شود. مطالعات مقدماتی ثابت کرد نوزادان از والدین خود که به‌صورت زنده و مستقیم در کنارشان هستند بیشتر تقلید و الگوبرداری می‌کنند تا برنامه‌های آموزشی تلویزیون و بر این اساس محققان دریافتند کودکان در صورتی که برنامه مشاهده‌شده از رسانه تصویری همراه با تعامل اجتماعی و کنش متقابل با والدین باشد، واژگان را مؤثرتر وارد ذهن خود می‌کنند. دانشمندان در خصوص نظریه «نش تلویزیون و تأثیر کنش متقابل کودکان نوپا با والدین» هنگام تماشای برنامه‌های زنده تلویزیونی در فرایند یادگیری و رشد زبان کودکان، تحقیقات زیادی انجام دادند و نتیجه گرفتند کودکان نوپا هنگام تماشای برنامه‌های زنده تلویزیونی نسبت به برنامه‌های آموزشی آن واژگان جدید را بهتر می‌گیرند. بررسی تماشای یک رسانه تصویری بدون تعامل حضوری والدین با کودکان دوساله نشان داد برای کودک مزیت آموزشی ندارد. در تحقیقی که روی ۶۱ کودک نوپا انجام شد نتیجه گرفتند برنامه‌های تلویزیونی به تنهایی در رشد زبان کودک مؤثر نیستند و وجود تعامل والد و کودک رابطه بسیار مثبتی با رشد زبانی کودک دارد.

آنچه گفته شد می‌توان دو نکته مهم را استنباط کرد؛ نکته اول: برنامه‌های آموزشی تلویزیون به‌طور مسلم برای کودکان ابزاری مفید و کارا محسوب می‌شوند. این برنامه‌ها به منزله یک منبع و یک گزینه جایگزین مقرون به صرفه آموزشی برای کودکان خانواده‌ای کم‌درآمد تلقی می‌شوند. این شیوه نه تنها مقدمه آموزش لحن و نحوه گویش یک زبان بلکه آموختن واژگان غیرفعال نیز محسوب می‌شود؛ لذا به والدین توصیه می‌شود همراه با کودکان خردسال خود بر برنامه‌های تلویزیون و برنامه‌های کودک و آموزشی آن را تماشا کنند. نکته دوم: زبان یک پدیده اجتماعی است و به‌طور طبیعی در موقعیت‌های ارتباط اجتماعی از آن استفاده می‌شود. از این رو، تعامل والدین با برنامه یک رسانه تصویری در فرایند یادگیری جدید کودک بسیار مهم است تا مهارت‌های تازه کسب شده زبانی را از حالت غیرفعال در ذهن خود به حالت فعال و عملی تبدیل کند. خروجی بخش بزرگی از تحقیقات پژوهش‌هایی که در بالا ذکر شد این بود که بر اهمیت مشارکت والدین هنگام مشاهده هر نوع رسانه تصویری توسط فرزند خردسالشان صحه گذارند و فرایند یادگیری را واردار یک حوزه تعاملی کنند؛ زیرا تعامل با دیگران و با محتوای نمایش داده شده برای کودک ضروری است.

برگرفته از سایت: www.ccsenet.org/jedp
Journal of Educational and Developmental Psychology
نوشته: Salwa S. Al- Harbi

سبک سرگرمی



تماشای ۲۰۰هزار صحنه خشونت آمیز تا سن ۱۸ سالگی

آوار خشونت صنعت سرگرمی بر سر کودکان جوامع غربی

■ احمد کریم‌زاده‌آقاعلی

تحقیقات نشان می‌دهد مشاهده یا بازی کردن با محتوای خشونت‌آمیز می‌تواند احتمال بروز رفتار پر خاشگرانه در کودک را افزایش دهد، به‌خصوص اگر سایر عوامل پر خطر مانند زندگی در خانه‌ای پر از تنش هم وجود داشته باشد.

چنانچه فرد به‌صورت نامتعارف در معرض رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی که دارای محتوای خشونت آمیز هستند قرار گیرد،

ممکن است منتهی به حساسیت‌زدایی و بی‌تفاوتی وی نسبت به وقایع و اتفاقات اطرافش شود. انتخاب والدین بابت تماشای استفاده از رسانه‌های مورد علاقه‌شان نیز می‌تواند روی بچه‌ها تأثیر گذار باشد. ■ ■ ■

بدیهی است والدین قادر نخواهند بود از قرار گرفتن خود و فرزندانشان در معرض تمامی رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی دارای محتوای خشن اجتناب کنند. صنعت سرگرمی همیشه در تلاش بوده و هست تا مخاطبان را با اشکال مختلف و تصویرسازی‌های حذاکثری که از هر چه قیلاً ارائه شده برتر و جالب‌تر باشد، جذب

خود نماید. به‌هر حال، والدین در خانه خود، کنترل بیشتری بر آنچه بچه‌ها تماشا می‌کنند دارند و تحقیقات هم نشان داده است والدینی که تماشای رسانه‌ها توسط خود را با جدیت

و هدفمند مدیریت می‌کنند، فرزندانشان نیز ضمن مصرف کمتر، به تنهایی قادر به انتخاب با کیفیت‌تری بابت مشاهده رسانه‌ها خواهند شد. پیدا کردن رسانه‌ای عاری از خشونت که فرزندان ما از آن لذت ببرند کار دشواری نیست. ممکن است زمانی برسد که فرزند شما از نظر فکری آماده مواجهه و مدیریت رسانه‌های دارای محتوای خشونت‌آمیز شود و آن هنگام والدین می‌توانند متناسب با سن بچه‌ها آن نوع رسانه‌ها را به آنها معرفی و به عنوان خانواده در مورد آن رسانه بحث و گفت‌وگو کنند. خاطرنشان می‌شود فیلم‌های توری والدین باید انتخاب شوند که چندان ترسناک نباشند یا گزیننه‌های جایگزین بازی‌های خشن را جستجو کرد. از سوی دیگر با جدیت به‌دنبال رسانه‌ای بود که به بچه‌ها کمک کند همدلی و انتقال افکار مثبت را در خود رشد دهند. سال‌ها به والدین گوشزد می‌شد خشونت غیر واقعی موجود در فیلم‌ها، نمایش‌های تلویزیونی و بازی‌های ویدئویی می‌تواند بر کودکان در زندگی واقعی‌شان اثر سوء بگذارد. روزنامه «نیویورک تایمز» در یکی از شماره‌های خود گزارشی از روند افزایشی خرید اسباب‌بازی‌های فانتزی تأثیرات خشونت‌رسانه‌ای بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. کودکان خردسال:

- ۱- به راحتی تأثیرپذیرند.
- ۲- به‌سختی می‌توانند بیسن خیال‌پردازی و واقعیت تمیز قائل شوند.
- ۳- به آسانی نمی‌توانند انگیزه‌های خشونت را تشخیص دهند.
- ۴- با مشاهده و تقلید از محیط و اطرافیان یاد می‌گیرند.
- * کودکانی که شاهد خشونت در رسانه‌ها هستند نسبت به آن دسته که رسانه‌های خشونت‌آمیز را ندیدند، احتمال بیشتری دارد تا از خود رفتارهای خشونت‌آمیز و پر خاشگرانه در آینده نشان دهند.
- * پژوهش‌ها نشان می‌دهد وقتی کودکان و نوجوانان بازی‌های ویدئویی خشونت‌آمیز را بازی می‌کنند، رفتار پر خاشگرانه در آنها افزایش پیدا می‌کند.
- * ۶۰ تا ۹۰ درصد از محبوب‌ترین بازی‌های ویدئویی دارای تم‌های خشونت‌آمیزی هستند.
- * ۵۶ درصد دختران کلاس چهارم و ۷۳ درصد پسران کلاس چهارم اظهار داشتند اکثر بازی‌های ویدئویی مورد علاقه آنها دارای محتوای خشونت‌آمیز است.
- * خشونت (قتل نفس، خودکشی و آسیب‌های روحی، یکی از دلایل اصلی مرگ و میر کودکان، نوجوانان و جوانان در امریکا شناخته شده است که حتی بیشتر از بیماری‌ها، سرطان و اختلالات مادرزادی قربانی می‌گیرد.



فیلم‌هایی توسط والدین باید انتخاب شوند که چندان ترسناک نباشند یا گزیننه‌های جایگزین بازی‌های خشن را جست‌وجو کرد. از سوی دیگر با جدیت به‌دنبال رسانه‌ای بود که به بچه‌ها کمک کند همدلی و انتقال افکار مثبت را در خود رشد دهند

محسوب نمی‌شوند.

گروه‌های برجسته پزشکی معتمدند خشونت در رسانه‌ها به کودکان آسیب می‌رسانند. این گروه‌ها بر این باورند که خشونت رسانه‌ای منجر به عوارض زیر می‌شود:

* افزایش رفتارهای ضد اجتماعی و پر خاشگرانه در کودکان.

* کاهش احتمالی حساسیت کودکان نسبت به خشت و کسانی که از خشونت رنج می‌برند.

* ممکن است به کودکان القا شود دنیا را تصور کنند و از اینکه روزی قربانی خشونت شوند دچار ترس بیشتری گردند.

* کودکان تدریجاً تمایل به دیدن خشونت بیشتر در سرگرمی‌هایشان و در زندگی واقعی پیدا می‌کنند.

* کودکان خشونت را به عنوان یک روش قابل قبول برای حل و فصل نزاعات خود و سایرین تلقی می‌کنند.

همچنین در اجلاس «کنگره بهداشت عمومی» کارشناسان موارد و آمارهایی را در خصوص اثرات و آسیب‌های خشونت‌رسانه‌ای بر کودکان مطرح کردند که به‌صورت تیترو وار می‌آید:

* طبق گفته والدین در پژوهش «رسانه در خانه» کودکان روزانه حدود ۵ تا ۶ ساعت از

وقت خود را صرف رسانه‌ها می‌کنند.

* افزایشی که یک کودک که سن ۱۸ سالگی

برسد و با احتساب زمان مشاهده متوسط، شاهد ۲۰۰ هزار مورد خشونت در اخبار، فیلم،

کارتون و بازی‌های الکترونیکی در کشورهای اروپایی و امریکایی خواهد بود.

* ۶۱ درصد برنامه‌های تلویزیونی (اروپایی و امریکایی) حاوی صحنه خشونت‌آمیز هستند.

* ۴۲ درصد صحنه‌های خشونت‌آمیز توأم با طنز و خشن هستند.

* ۴۴ درصد موارد عاملان خشونت به عنوان شخصیتی جذاب به تصویر کشیده شده‌اند.

* نزدیک به ۷۵ درصد از صحنه‌های خشونت‌آمیز خشونت‌رسانه‌ای عامل خشونت

نشان داده نشده است.

* از دهه ۵۰ تاکنون، بیش از هزار پژوهش و تحقیق درباره اثرات خشونت در تلویزیون و

فیلم‌ها انجام شد. در اکثر این مطالعات نتیجه گرفته شده است: «کودکانی که بخش قابل

توجهی از خشونت‌های تلویزیونی و فیلم‌ها را تماشا می‌کنند، قریب به یقین رفتار و نگرشی

پر خاشگرانه از خود نشان می‌دهند و خشونت را ارزش می‌پندارند.

* کودکان در هر سنی از محیط خود اثر می‌پذیرند، اما کودکان خردسال نسبت به

تأثیرات خشونت‌رسانه‌ای بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. کودکان خردسال:

۱- به راحتی تأثیرپذیرند.

۲- به‌سختی می‌توانند بیسن خیال‌پردازی و واقعیت تمیز قائل شوند.

۳- به آسانی نمی‌توانند انگیزه‌های خشونت را تشخیص دهند.

۴- با مشاهده و تقلید از محیط و اطرافیان یاد می‌گیرند.

* کودکانی که شاهد خشونت در رسانه‌ها هستند نسبت به آن دسته که رسانه‌های

خشونت‌آمیز را ندیدند، احتمال بیشتری دارد تا از خود رفتارهای خشونت‌آمیز و پر خاشگرانه

در آینده نشان دهند.

* پژوهش‌ها نشان می‌دهد وقتی کودکان و نوجوانان بازی‌های ویدئویی خشونت‌آمیز را

بازی می‌کنند، رفتار پر خاشگرانه در آنها افزایش پیدا می‌کند.

* ۶۰ تا ۹۰ درصد از محبوب‌ترین بازی‌های ویدئویی دارای تم‌های خشونت‌آمیزی هستند.

* ۵۶ درصد دختران کلاس چهارم و ۷۳ درصد پسران کلاس چهارم اظهار داشتند اکثر

بازی‌های ویدئویی مورد علاقه آنها دارای محتوای خشونت‌آمیز است.

* خشونت (قتل نفس، خودکشی و آسیب‌های روحی، یکی از دلایل اصلی مرگ و میر

کودکان، نوجوانان و جوانان در امریکا شناخته شده است که حتی بیشتر از بیماری‌ها، سرطان

و اختلالات مادرزادی قربانی می‌گیرد.